

اندیشه های روان شناختی حافظ

مولفان:

سعید فتحی «دانش آموخته سی و دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز»

دکتر کامران پاشایی فخری - دکتر پروانه عادل زاده «اعضای هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز»

- سرشناسه : فتحی، سعید، ۱۳۵۵ -
- عنوان و نام پدیدآور : اندیشه‌های روان‌شناختی حافظ/مولفان سعید فتحی، کامران پاشایی‌فخری، پروانه عادل‌زاده.
- مشخصات نشر : تبریز: مولی علی، ۱۳۹۳.
- مشخصات ظاهری : ۱۲۵ ص.
- شابک : ۱۲۰۰۰۰ ریال ۹۷۸-۶۰۰-۶۰۴۲-۳۴-۳ :
- وضعیت فهرست‌نویسی : فیا
- یادداشت : کتابنامه : ص. ۱۲۴.
- موضوع : حافظ، شمس‌الدین محمد، - ۷۹۲ق -- معلومات -- روان‌شناسی
- موضوع : شعر فارسی -- قرن ۷ق. -- تاریخ و نقد
- شناسه افزوده : پاشایی فخری، کامران، ۱۳۴۶ -
- شناسه افزوده : عادل زاده، پروانه، ۱۳۵۳ -
- رده بندی کنگره : ۲۱۳۹۳/۵۴۳۷PIR - ۹ف
- رده بندی دیویی : ۱/۳۲۱۵۸
- شماره کتابشناسی ملی : ۳۶۵۲۳۳۷
- تاریخ درخواست : ۱۳۹۳/۰۸/۱۹
- تاریخ پاسخگویی : ۱۳۹۳/۰۸/۲۸
- کد پیگیری : ۳۶۵۲۸۱۱

اندیشه‌های روان‌شناختی حافظ

مولفان : سعید فتحی، دکتر کامران پاشایی فخری، دکتر پروانه عادل‌زاده

ناشر : مولی علی (وابسته به موسسه آموزش عالی چرخ نیلوفری آذربایجان)

ویراستار فنی : موسسه فرهنگی هنری شهریار سبز قلم

حروف چینی، صفحه‌آرایی، مجری فنی: موسسه آموزش عالی چرخ نیلوفری آذربایجان

طراح روی جلد: مهندس محمد زرنقی

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

چاپ اول: زمستان ۹۳ لیتوگرافی: نگین فیلم

چاپ: امید صحافی: صادقی

این کتاب، پایان نامه کارشناسی ارشد دفاع شده رشته زبان و ادبیات فارسی است و تمام حقوق معنوی آن متعلق به دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز می‌باشد.

ISBN: 978-600-6042-34-3

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۰۴۲-۳۴-۳

مرکز پخش: انتشارات مولی علی: آبرسان، پاستور جدید، مابین کوی بزرگمهر و کوی سیزده آبان، پلاک ۲۲، طبقه هفتم
تلفن: ۰۴۱۳۳۳۶۸۸۶۴

بها: ۱۲۰۰۰۰ ریال

فهرست مطالب

۱	 مقدمه
۴	 خواجه شمس الدین محمد، حافظ شیرازی
۵	 اصول و مشرب اخلاقی حافظ
۶	 اسطوره سازی حافظ
۶	 رند و رندی حافظ
۷	 فضل و فرهنگ و مقام علمی حافظ
۸	 عرفان و اخلاق حافظ
۸	 حافظ اندیشه مندست و در شعرش فلسفه می ورزد
۹	 حافظ مصلح اجتماعی است
۹	 سخنوری و صنعتگری حافظ
۱۰	 انقلاب حافظ در غزل
۱۰	 حافظ و موسیقی
۱۰	 تأویل پذیری شعر حافظ
۱۱	 طنز و طربناکی حافظ
۱۱	 حافظ هم مضمون گراست و هم معنی گرا
۱۳	 روان شناسی انسان گرایی : نیروی سوم
۱۴	 ماهیت روان شناسی انسان گرایی
۱۵	 زندگی نامه ی کارل راجرز
۱۷	 خود و گرایش به سمت شکوفایی
۱۹	 ویژگیهای افراد کامل از دیدگاه راجرز
۲۰	 زندگی نامه ی آبراهام مازلو
۲۲	 رشد شخصیت : سلسله مراتب نیازها

۲۳	نیاز به خودشکوفایی
۲۳	بررسی افراد خودشکופا
۲۵	فرانیازها و فراآسیب های مازلو
۲۵	ویژگی های افراد خودشکופا
۲۶	ناکامی در خودشکופا شدن
۲۷	عزت نفس
۲۸	رویکرد انسان گرایی
۲۹	خویشتن
۳۱	کمال
۳۲	انسان کامل
۳۳	انسان کامل از دیدگاه مکاتب مختلف
۳۵	کمال گرایی در دیوان حافظ و انطباق آن با خودشکوفایی روان شناسی
۳۵	رند
۴۰	اصول مکتب رندی
۴۳	مقایسه ی تطبیقی دیدگاه های حافظ و راجرز و مازلو در خصوص انسان خودشکופا
۶۲	پیر
۶۲	« پیر » در دیوان حافظ :
۶۸	پیر معان کیست ؟
۶۹	ویژگی های پیر معان
۷۳	مقایسه ی تطبیقی دیدگاه های حافظ و مازلو و راجرز در خصوص انسان خودشکופا
۷۹	دیر معان
۷۹	دیر معان در دیوان حافظ
۸۱	مستی و راستی
۸۱	خرابات و حافظ خراباتی

۸۲	جام دما دم - شراب مدام
۸۳	شراب عارفانه
۸۵	عشق
۸۶	عشق از نظر خواجه ی شیراز
۸۶	عشق موهبتی خداداد است
۸۸	عالم و آدم طفیل هستی عشق اند
۸۹	عشق ازلی و ابدی است
۹۱	عشق عالی ترین وسیله ی تطهیر و تلطیف و تکمیل روح بشر است
۹۴	عشق مشکلی است آسان نما
۹۷	می عشق
۹۹	رجحان عشق بر عقل
۱۰۲	راز عشق
۱۰۳	عشق رهبر و معلم حافظ است
۱۰۵	امتیاز بشر به عشق است
۱۰۵	آهنگ عشق
۱۰۶	عظمت عشق و مقام عشق
۱۰۸	عوامل بازدارنده ی کمال از منظر حافظ
۱۰۹	محتسب
۱۱۱	صوفی
۱۱۴	زاهد
۱۲۰	استنتاج
۱۲۴	منابع و مأخذ

مقدمه

به نام الله، او که یگانه خالق هستی و کمال مطلق ازلی و ابدی است. پروردگاری که خمیر مایه‌ی انسان را از گل، پست‌ترین ماده‌ی روی زمین بروراند و از آن کالبدی بی‌بدیل ساخت. خدای بی‌همتا کار شگرفش را تکمیل نمود و نخستین بار روح خویش، آن عالی‌ترین و اعلی‌ مفهوم را در کالبدی پست دمید. خداوند سبحان آن کالبد را به بالاترین درجه‌ی بزرگی و فخر مفتخر گردانید و به اعلی‌ درجه‌ی موجود رسانید پس اسما الهی را به او آموخت و خلیفه الله‌اش خواند و گردنبنده بندگی را به گردنش آویخت و او را مختار کرد به این که به پستی سقوط کند یا به اعلی‌ علین عروج نماید.

ناگاه برق عصیان انسان را فرا گرفت و خدای، مخلوقش را از خود دور کرد و درد فراق را بلای جاننش نمود و بار امانتی عظیم را بر دوشش نهاد. بعد او، همسر و فرزندان را در پهنه‌ی گیتی گستراند. سپس خدای، رسولانی از بی‌ راهنمایی ایشان فرستاد تا شاید راهنمای وصال دوباره شوند. سلام و صلوات بر پیامبر خاتم، نبی مکرّم اسلام، سلسله جنیان تمامی انبیاء و اولیاء و خاندان مطهر و پاکش که سالکان و رهجویان حقیقی راه وصال‌اند و هادیان راستین درگاه بندگی محبوب و انوار جاودان روشنگر قلّه‌ی کمال.

کمال، این مفهوم بلند بالا و انسان کامل آن دشوار دست یافتنی آرزویی است بر تارک قلّه‌ی امید و بندگی. در سیر تاریخ بشر، انسان همیشه به دنبال کمال بوده است و آدمی در جستجوی خویشتن خویش، راههای بسیاری را آزموده و هر کس از ظنّ خویش مسیری را پیموده است. گاه این مسیر به شاهراه ختم شده و گاه سرانجامش کوره‌راهی تنگ بوده است. گاه موجودات ماوراءالطبیعی و ربّ النوع‌ها و گاه افسانه و اساطیر را حد کمال یافته است. با ظهور فرهنگ‌ها و مکاتب فکری و فلسفی و آیین‌ها و مذاهب رنجایی از کمال و انسان کامل مشاهده می‌شود، بودا، زرتشت، کنفسیوس، موسی، عیسی (ع)، محمد (ص)، افلاطون، ارسطو، تصوف، عرفان و نیز روان‌شناسی انسان‌گرای معاصر سخن از کمال و انسان کامل یا مطلوب به میان آورده‌اند و نام‌های مختلف بر آن نهاده‌اند. آزاده، فیلسوف، انسان بزرگوار، بهوه، شیخ، پیر، ابر انسان، خلیفه الله، انسان خودشکوفه، انسان به فعلیت رسیده، انسان با کنش کامل، انسان خواستار تحقق خود و ... از آن نام‌های بی‌شمارند. بی‌شک می‌توان گفت که ریشه‌ی گرایش و تلاش برای یافتن انسان کامل میل به کمال و رسیدن به سرچشمه‌ی این کمال است. کمالی که زاده‌ی درون انسان است. تحولی که عمق وجود انسان در پی آن است تا از نقص و ضعف و حقارت رها شده و به تعالی و شناخت سرچشمه‌ی کمال نائل آید.

دستیابی به کمال و رسیدن به برتری، الگو و روش خود را طلب می‌کند. انسان برای دستیابی به این روش گاه در پی رسولان الهی و پیروی از آنان شتافته و گاه در پی این روش هوای نفس و وسوسه‌های شیاطین را انتخاب کرده است. لیکن راه رسولان به شاهراه تعالی ختم شده و راه وسوسه‌ها به بی‌راهه.

به این جهت در این مسیر انسانی، اکثر انسان‌ها به مذهب و دین روی آورده‌اند. اما در جوامع مدرن امروزی، به مذهب با دیده‌ی تحقیر نگریسته می‌شود و برای یافتن پاسخ سوالات و جمع‌آوری اطلاعات بر علوم مختلف از جمله علوم انسانی تکیه می‌شود تا پاسخگوی پرسش‌های بی‌پایان انسان‌ها در جستجوی تعالی باشد ولی نگاهی گذرا به

تمدن بشری نشانگر ضعف آشکار این نوع علوم بوده است و بی‌شک مذهب و دین ضرورتی لازم و مکمل در ادام‌ی مسیر انسانی است.

موضوع کتاب حاضر، کمال‌گرایی در دیوان حافظ و انطباق آن با نظریه‌های خودشکوفایی روان‌شناسان انسان‌گرا، از جمله راجرز و مازلو می‌باشد. می‌توان گفت گستره‌ی ادبیات به سان کهکشانی لایتناس‌ی است که نمی‌توان تنها از دید ادبی به آن نگریست بلکه معانی ژرف علوم مختلف به طرز شگفت‌انگیز به دست بزرگ‌مردان این مرز و بوم در آن گنجانده شده است که کشف و رمزگشایی آن‌ها تحقیق، دقت نظر و تطبیق با علوم دیگر را طلب می‌کند. تفکر، تعمق و باریک‌بینی در این زمینه سیطره‌ی ادبیات را به نمایش می‌گذارد و ارزش افزون و جلوه‌ای بی‌بدیل بر قامت آن می‌بخشد. در این کتاب سعی می‌شود با تبیین اندیشه‌ی خواجه حافظ شیرازی و روان‌شناسان انسان‌گرا (راجرز و مازلو) به این پرسش که مفهوم انسان کامل (کمال)، از منظر حافظ و روان‌شناسان انسان‌گرا چیست؟ پاسخی ساینده داد. اهمیت این نوع کارهای تطبیقی بسیار مهم و چشم‌گیر است زیرا در این عرصه تفاهم و تقابل اندیشه‌ها بررسی شده و اشتراکات و تفاوت‌هایی ظاهر می‌شوند و نتایج حاصل موجب تولید سطح جدیدی از دانش و اندیشه‌های بین‌المللی می‌شود. این اندیشه‌مندان بدون پیش‌داوری و تعصب با عقاید و اندیشه‌های مختلف و فاصله‌ای نزدیک به پنج قرن از یک‌دیگر دغدغه‌ها، بیم و امیدهای انسان را به چالش کشیده‌اند و گفتمانی فاخر را به راه انداخته‌اند. گفتمانی که با آن فاصله زیاد پانصد ساله دارای مشترکات فکری و زیستی و روانی است که نادیده گرفتن آن‌ها کاری صعب و دشوار است.

حافظ نظاره‌گر ریا و تزویر و خودبینی و ظاهرپرستی عصر خویش است که در آن ضد ارزش‌های انسانی به ارزش‌های انسانی بدل می‌شوند و ذوق و شوق پیدا و پنهان جامعه را از پویایی و شکوه ساقط می‌کنند. راجرز و مازلو نیز با زمانه‌ی عصر به آتش کشیدن جهان توسط نازی‌های آلمانی هستند که در آن جنگ و خونریزی و کشتار ارزش‌های انسانی را به سخره گرفتند. این اندیشه‌مندان فارغ از زمان و مکان با افکار روشن و دقیق اوضاع و احوال را کاویدند و در مقابل تنش‌ها و نامرادی‌ها موضع‌گیری کرده و حدای اندیشه‌ی خود را که دغدغه و دردی مشترک است به گوش جهانیان رسانده‌اند. اندیشه‌ای که هدفش تنها رساندن انسان به مرتبه‌ی کمال و خودشکوفایی خویش است.

عقاید حافظ دارای جهان‌شمولی خاص خود است. او کمال و خودشکوفایی را از بُعدی معنوی، ویژه و انسانی دیده و درک و بیان می‌کند. منظری که بسیار خاص و استادانه طراحی و ارائه شده است. آری، اندیشه‌ی حافظ بسیار سازنده و هدایت‌گرانه است. از قیود مکاتب عقیدتی آزاد است. خرافه شکن است. باورستیز و سنت‌شکن است و به دنبال آن حقیقت حقیقی کمال است. حافظ خود را اخلاقاً موظف می‌بیند تا نوعی روشنگری و هدایت را در دیوان خود نمود و جلوه دهد. جلوه‌ای که فراجیهانی می‌اندیشد و الگو و سبک زندگی و اندیشه‌ی خویش را فاش و به آواز بلند معرفی می‌نماید.

راجرز، پل ارتباطی میان شرق و غرب را می‌سازد. او عرفان شرق و عقلانیت غرب را درهم می‌آمیزد تا جوهره‌ای نو از انسان کامل را ارائه دهد. زیربنای اندیشه‌ی او مذهبی است ولی خود را محدود به فرهنگ یا مذهب خاص نمی‌کند. بلکه افق‌های تفکر خویش را به مکاتب فلسفی مختلف باز می‌کند تا راهگشای او شوند. او هم‌دلی، صمیمیت و گرمی شرق را با آغوش باز می‌پذیرد و مخور کار بالینی خویش قرار می‌دهد. او خود می‌گوید که «به خوبی می‌دانم که طرز تفکر و دیدگاهم عجیب است و تقریباً رنگ و بوی شرقی دارد.» (راجرز، ۱۳۶۹: ۱۷۵)

مازلو نیز از افراد خودشکوفه سخن می‌راند و آن‌ها را در زمره‌ی افراد متعالی تاریخ بشری قرار می‌دهد. او وارد عرصه‌ی تجلی انبیاء و اولیای الهی نمی‌شود و از تجارب بلند عرفانی آن‌ها سخنی نمی‌گوید اما به حصول پیشرفت کمال و بیداری انسان و به فعلیت رساندن و تحقق بخشیدن به تمامی استعدادهای بالقوه‌ی آدمی می‌اندیشد.

به طور خلاصه می‌توان بیان کرد که روان‌شناسی انسان‌گرا راه‌های کمال و خودشکوفایی انسان را با تحقیقات مختلفی بررسی کرده است. ویژگی‌های متعددی را برای آن ارائه داده است ولی الگوی قابل لمس و مشخصی ارائه ننموده است و تنها بر ویژگی‌ها بسته‌ده کرده است. درست است که در بررسی، این ویژگی‌ها با برخی از ویژگی‌های مدنظر حافظ هم‌پوشانی دارد لیکن خواجه‌ی سیراز الکوبی از انسان کامل را ارائه داده و راه و روش و مسیرش را نیز مشخص نموده است. ولی توجه و توکل نیز نزد او بر اهمیت جلوه می‌کند و می‌فرماید: «راهرو گر حد هنر دارد توکل بایندش».

به بیان ساده روان‌شناسی انسان‌گرا پس از کندوکاوهایی بسیار می‌گوید که باید خودت باشی و صادقانه خودت را بشناسی و این خودشکوفایی است. اما بیش از این وارد این عرصه نمی‌شود که عرصه، عرصه‌ی عرفان است و جولانگاه سیمرغ. اما حافظ خود استاد این عرصه‌هاست که با تلاش و کوشش و کندوکاو جسورانه در دواوین بزرگان برای خود بزرگی و شکوهی جاودانه انداخته است.

در این کتاب که به روش تحقیقی و توصیفی نگارش شده است از راهنمایی‌ها و مشاوره‌های اساتید فرهیخته‌ی بزرگوار جناب آقای دکتر کامران پاشایی فخری و سرکار خانم دکتر پروانه عادل زاده بهره‌های فراوان برده‌ام و به دانشجویی این اساتید فرهیخته‌ی دانش‌پرور می‌بالم و این افتخار را از الطاف خفیه‌ی الهی می‌دانم. باشد که به لطف ایزدی چرخ چرخه‌ی نیلوفری‌شان همواره چرخان باد.

القصة تفکر و تفحص در عرصه‌ی کمال، عرصه‌ای که جولانگاه سیمرغ است، عنقا طلب می‌کند نه پشه‌ای که به گزاف داد سخنوری سر می‌دهد.

والسلام

من الله التوفیق